

قواعد مربوط به اسم منسوب در برخی از اسم ها :

۸ . اگر مثنی و جمع بخواهند منسوب بسته شوند؛ مفردشان منسوب بسته می شود؛ مانند : زیدان ← زیدائی؛ مگر اینکه آن دو علم شده باشند؛ مانند : کاظمین ← کاظمینی.

۹ . مرکب مزجی و اسنادی جزو اول آن ها غالباً نسبت بسته می شود؛ مانند : بعلبک ← بعلبی و تأبط شراً ← تأبطی؛ مرکب اضافی گاهی تمام اجزایش نسبت بسته می شود؛ مانند : عین ابل ← عین ابلبی؛ و گاهی جزء اول آن نسبت بسته می شود؛ مانند : امرؤ القیس ← امرئی؛ و گاهی جزء آخر آن نسبت بسته می شود؛ مانند : عبْد مناف ← منافی.

۱۰ . وزن های فعیلة منسوب آن می شود؛ فعلی؛ مانند : مدینه ← مدنی؛ فعیلة منسوب آن می شود؛ فعلی؛ مانند : جهینه ← جهنی (البته به شرطی که صحیح العین باشد).

در صورتی که اجوف و مضاعف باشند از آن ها حرف تاء حذف شده و سپس منسوب می شوند؛ مانند : طویلة ← طویلی، جلیلة ← جلیلی.

گاهی اوقات اوزان (= فَعَال ، فَاعِل ، فَعِل) بدون اضافه شدن یاء نسبت دلالت بر نسبت می کنند البته زمانی که از آن ها صاحب شیء قصد شود؛ مانند : تمّار به معنی صاحب التّمّر؛ لّابن به معنی صاحب اللّبن.